آقای مکرّم حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء اللّه الأبهی ملاحظه فرمایند

۱۵۲[[1]](#footnote-1)۱

بسم ربّنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

حمد مقدّس از عرفان اهل امکان مقصود عالمیان را لایق و سزاست که بلا را مخصوص اولیا قرار فرمود طوبی از برای مقرّبین یعنی نفوسی که بسلّم بلا بذروهٴ علیا ارتقا جسته‌اند ایشانند اولیای حقّ جلّ جلاله لازال بافق اعلی ناظر بوده و هستند بأساء ایشان را از توجّه منع ننمود و ضرّاء از اقبال بازنداشت بلکه حوادث عالم و مصیبات آن نار محبّت را مدد نمود و بر شعله افزود هر نفسی فی‌الحقیقه بر تغییر و تبدیل و فنای عالم آگاه شود او را هیچ شیئی از اشیاء پژمرده ننماید و از روح و ریحان بازندارد فرحش باللّه است و عیشش للّه همدمش انّا للّه و مصاحبش انّا الیه راجعون بعد از آنکه قلب بانوار معرفت منوّر شد و از ذکر و ثنا و محبّت و مودّت حقّ جلّ جلاله پر گشت دیگر محل باقی نه تا احزان عالم و کدورات نازلهٴ در آن وارد شود و یا داخل گردد

 سبحانک یا نور العالم و منوّر العالم و مسخّر العالم و مذهب احزان الأمم اسألک بالاسم الأعظم الّذی به سرت نسمات فجر عنایتک علی عبادک بأن تؤیّد افنانک علی الحضور امام وجهک و التّمسّک بما قدّر لهم بجودک و الطافک ثمّ احفظهم من شرّ اعدائک و شماتة الّذین کفروا بک و بآیاتک اسألک یا مالک الوجود و سلطان الغیب و الشّهود بأن تفتح علی وجوههم ابواب عنایتک لتجذبهم نفحات بیانک الی مقام لا تحزنهم شؤونات الدّنیا و کدوراتها و لا تخمدهم اعمال الّذین اعرضوا عن افقک الأعلی ثمّ وفّقهم یا الهی علی ما یقرّبهم الیک فی کلّ الأحوال انّک انت الغنیّ المتعال

 روحی لذکرکم الفدآء و لخدمتکم الفدآء دو دستخطّ حضرت عالی از قبل و بعد رسید هر یک مفتاحی بود از برای مداین محبّت و مودّت و توجّه و بعد از قرائت و اطّلاع قصد مقام اعلی نموده تلقاء وجه عرض شد قوله تبارک و تعالی یا افنانی علیک بهائی و عنایتی در بلایای واردهٴ بر نفس حقّ و همچنین آنچه بر انبیا وارد شد تفکّر نما جذب محبّت الهی چنان اخذشان نمود که بلایا و رزایای عالم نزدشان مائدهٴ فرح و سرور محسوب اعراض عالم و انکار امم ایشان را از اقبال منع ننمود و از فرح اکبر بازنداشت از حلاوت بیان رحمن و ما قدّر لهم عالم را معدوم و مفقود مشاهده مینمودند در هر حین باجنحهٴ ابتهاج قصد معراج که مقام قرب و لقاست میفرمودند و اگر عوالم و شئوناتش منحصر باین عالم بود هرگز خود را بین ایادی اعدا تسلیم نمینمودند قسم بآفتاب حقیقت که از افق سماء سجن مشرق و لائحست لازال آن جواهر وجود در مقام تسلیم و رضا واقف و قائم بودند بشأنی که ظلم و تعدّی اهل عالم ایشان را از استقامت بر امر بازنداشت چون قلب ببحر اعظم متّصل شد عالم و ما عند النّاس را بمثابهٴ ظلّ مشاهده نماید که عنقریب فانی شود و زوال پذیرد شاید آنچه وارد شده بر شما سبب و علّت ظهورات عنایات غیبیّهٴ الهیّه شود شما باو منسوبید آنچه بر شما وارد شده بعد از ایقان و اقبال بوده لعلّ یحدث بذلک ما تقرّ به العیون و تفرح به القلوب بر اسرار حکمت بالغه احدی مطّلع نه یشهد بذلک هذا المظلوم فی هذا السّجن البعید قل

 الهی الهی ترانی مقبلاً الیک و متمسّکاً بک و تری ضعف اولیائک و قوّة اعدائک و ظلمهم فی بلادک اسألک بحرکة قلمک الأعلی الّذی به سخّرت الأشیآء و بنفوذ آیاتک الکبری بأن تؤیّدنی علی ما یقرّبنی الیک ای ربّ ترانی فی بحبوحة الأحزان اسألک بأن تنزل لی من سمآء عطائک ما یجعلنی طائراً فی هوائک و منجذباً بآیاتک و لائذاً بحضرتک ای ربّ قدّر لی من قلمک الأعلی ما ینفعنی فی کلّ عالم من عوالمک انا الّذی یا الهی اعترفت بوحدانیّتک و فردانیّتک سبقنی علمک المحیط و تعلم ما یرفعنی و یوفّقنی علی ما تحبّ و ترضی انّک انت مالک العرش و الثّری لا اله الّا انت المقتدر العلیم الحکیم انتهی

 فی‌الحقیقه عواقب امور از ادراک و ابصار مستور غیر حقّ جلّ جلاله آگاه نبوده و نیست بسا میشود از این احزان ابوابهای فرح و سرور و بهجت و ابتهاج مفتوح گردد الیوم هیچ مقامی و هیچ فضلی و هیچ شأنی اعظم از آنچه بافنان عطا شده نبوده و نیست وقتی از اوقات این کلمهٴ علیا از لسان مولی الوری در این مقام استماع شد قوله تبارک و تعالی یا عبد حاضر بسا بُعد که حقّ جلّ جلاله آن را علّت قرب قرار فرمود و بسا حزن را که سبب فرح اعظم نمود و چه مقدار بساط هَمْ که بانبساط تبدیل شد الفضل بیده و فی قبضة قدرته یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید و هو العلیم الحکیم انتهی این خادم فانی در لیالی و ایّام از حقّ جلّ جلاله مسئلت مینماید آنچه را که جان از او مسرور و تازه گردد انّ ربّنا الرّحمن هو المشفق الکریم

 در فقرهٴ وجه حضرت ورقة العلیا علیها من کلّ بهآء ابهاه بحضرت افنان کبیر علیه من کلّ بهآء ابهاه امر شد که بنویسند به ارض یاء نزد هر نفسی باشد بمخدّرهٴ کبری والدهٴ آن حضرت داده شود چندی قبل این فقره القا شد از حقّ میطلبم نفوس را مؤیّد فرماید بر عمل بآنچه از سماء امر نازل

 نامهٴ جناب ملّا شفیع علیه بهآء اللّه که ارسال فرمودند در ساحت امنع اقدس عرض شد و جواب نازل در کرّهٴ بعد ارسال میشود و همچنین یک لوح مبارک مخصوص مخدّرهٴ کبری علیها بهآء اللّه الأبهی نازل و ارسال شد الحمد للّه در هر حال مذکور بوده و هستند چندی قبل از حکومت ظالمی ضرّ وارد و در هر یوم احداثی و بلائی ظاهر و مشهود بدّله اللّه امراً من عنده انّه علی کلّ شیء قدیر مقصود آنکه آن حضرت هم در احزان با سدره شریک بوده‌اند خدمت حضرات آقایان افنان آن ارض تکبیر و ثنا و بهاء عرض مینمایم و همچنین خدمت اولیای آن ارض از حقّ میطلبم آن اطراف را از نور افنان منوّر فرماید و عالم جدید ظاهر نماید اوست مقتدر و توانا لا اله الّا هو مالک العرش و الثّری البهآء و الذّکر و الثّنآء علی حضرتکم و علی من معکم و یحبّکم و یسمع قولکم فی امر اللّه ربّ الکرسیّ الرّفیع

خ‌ادم

فی ۲۶ شهر ذی‌الحجّة الحرام من سنة ۱۳۰۴

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر

1. ۱ ارقام ٢ و ۵ و ١ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکيل ميدهد. [↑](#footnote-ref-1)